

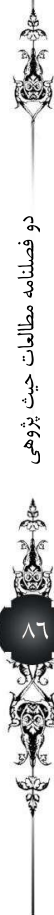
آسیب‌شناسی نهادهای آموزشی در تربیت نوجوانان از منظر احادیث

سید حسین نقوی*

چکیده

در عصر کنونی، تهاجم فرهنگی غرب قشر نوجوان را هدف قرار داده و با تبلیغات گمراه‌کننده، استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجبات دوری و جدایی این قشر را از فرهنگ اسلامی فراهم می‌آورند. از سوی دیگر عدم اطلاع و آگاهی لازم والدین و مربیان و نهادهای آموزشی بر روش‌های صحیح تربیت، موجب گشته تا همچنان شاهد عدم موفقیت‌ها و چالش‌های متعددی در تربیت نوجوانان باشیم، با توجه به اینکه نظرات تربیتی معصومین (ع) در جهت شناسایی و رفع آسیب‌های موجود در روند تربیت نوجوانان راهگشاست. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای از منظر احادیث، نهادهای آموزشی در تربیت نوجوانان را آسیب‌شناسی کرده است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از جمله آسیب‌های تربیت در نهاد خانواده عبارت‌اند از بی‌توجهی به ادب و دانش‌آموزی، تنبیه، عدم رعایت عدالت بین فرزندان، عدم بردباری و بی‌توجهی به عنصر زمان و آموزه‌های دینی در خانواده؛ همچنین آسیب‌های تربیتی در نهاد مدرسه عبارت بودند از عدم تربیت دینی صحیح مربی، انحراف در محتوای معارف، استفاده نکردن از روش‌های فعال و پویا، معلمان ناکارآمد و عدم توجه به تفاوت‌های فردی.

واژگان کلیدی: آسیب، تربیت، نوجوانان، نهادهای آموزشی، نهاد خانواده، نهاد مدرسه



مقدمه

در نوجوانی تغییرات مهمی در فرد به وجود می‌آید که باعث دگرگونی شخصیت وی می‌شود. نوجوانی را می‌توان دروازه ورود به بزرگسالی نامید. در این دوران، رشد بدنی، رشد جنسی و رشد شناختی به حد مطلوبی می‌رسد که با استفاده از آن نوجوان می‌تواند به کمالات بعدی دست یابد. نوجوان دیدگاهی متفاوت با آنچه در کودکی از خویش داشت، به دست می‌آورد. در نوجوانی ممکن بود خود را خوب یا بد بیابد؛ اما اکنون به‌عنوان یک جوان خود را به تفصیل بیشتری درک می‌کند. دوران کودکی را تحت عنوان شبیه به همسالانش توصیف می‌کند اما در نوجوانی خود را از دیگر همسالانش جدا می‌سازد و برای خود یک شخصیت قائل می‌شود.

نوجوان خود را در بین دو مرحله رشد می‌بیند در مرحله اول که کودکی بود و آن گذشت و در مرحله جوانی؛ یعنی بزرگ‌ترها که خود را در آن گروه نمی‌یابد در این دوران که هنوز نوجوان است و به کمال نرسیده است نیازمند است که والدین و مربیان او را آموزش بدهند و راهنمایی بکنند. نوجوان معمولاً از فرمان آنان اطاعت می‌نماید. این دوره، دوره تأدیب اوست و مربیان باید به تربیت و تعلیم او بپردازند و او را در جهت اهداف آموزش و تربیتی این دوره به کار گیرند. لذا از ابتدای این دوره است که آموزش رسمی آغاز می‌شود «عن ابی عبد الله ... و يتعلم الكتاب سبع سنين» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)

۱. آسیب‌شناسی در لغت

آسیب در لغت به معانی ذیل آمده است:

۱ زخم، صدمه ۲ - رنج ۳ - آفت، بلا. ۴ - آزار ۵ - زیان، ضرر (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه آسیب)
آسیب‌شناسی یا پاتولوژی T Pathology شاخه‌ای از علم پزشکی است که در خصوص تأثیر بیماریها و آسیب‌ها در سطح بافتی و سلولی بحث می‌کند و شامل مطالعه فرایند بیماری در یک اندام یا تمامی بدن برای شناخت ماهیت و علت‌های آن است. در شرایط عملی آسیب‌شناسان با بافت‌برداری از مناطق آسیب‌دیده یا بررسی بافت‌های ارسال‌شده توسط پزشکان به تشخیص عامل بیماری‌زا کمک می‌کنند.

آسیب‌شناسی امروزه از تخصص‌های رشته پزشکی است و به‌قدری گسترده شده است که در حوزه‌های دیگر علم نیز مصطلح شده است؛ مانند آسیب‌شناسی فرهنگی (<http://fa.wikipedia.org>).



اما بحث آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز بیش از یک سده است که مورد توجه اصلاح‌طلبان مسلمان قرار گرفته است. (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ص ۷)

آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات‌بخش روانی فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. مثلاً آسیب‌شناسی در علم پزشکی به بررسی بافت‌های آسیب‌دیده و عوامل و علل بروز آسیب به بافت می‌پردازد و تأثیر آن را بر بافت‌های دیگر و همچنین سایر اعضای بدن بررسی می‌کند و در نهایت رهیافت و پیشنهادی برای درمان فرد آسیب‌دیده به پزشک ارائه می‌کند. بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است. (هورنای، ۱۳۸۲، ص ۹۲۸)

بنابراین، آسیب‌شناسی در علم پزشکی به حالت آسیب‌مند سلول‌های زنده اشاره دارد. در این حالت سلول‌ها به علت رشد بی‌رویه یا به دلایل دیگر حیات موجود زنده را در معرض خطر قرار می‌دهند. این اصطلاح به معنی دانش شناخت بافت‌های آسیب‌دیده در بیماری‌ها نیز بکار رفته است. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱۶)

۲. آسیب‌شناسی در اصطلاح

۲-۱. آسیب‌شناسی اجتماعی

علوم اجتماعی در اثر مشابهت‌سازی (در قرن نوزدهم) میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری‌های عضو و بحران‌های اجتماعی، دانش نوی به نام آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) جهت مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی‌ها و بیماری‌های اجتماعی پدید آورد. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۶) آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به عاریه گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضو و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند.

۲-۲. آسیب‌شناسی دینی

آشنایی با مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی روشن می‌کند که آسیب‌شناسی دینی در صدد مطالعه، شناخت، پیشگیری از کجروی و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظار

منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام سازگاری ندارد. بنابراین آسیب‌شناسی دینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

آسیب‌شناسی دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است که وارد شود. (دژاکام، ۱۳۸۶، ص ۴)

لازم به ذکر است که آسیب‌ها و بحران‌ها و به تبع، پیشگیری و درمان آنها به دو شاخه تعلق دارد: نخست به ماهیت دین و دوم به تحقق خارجی دین. ماهیت دین عبارت است از مجموعه حقایقی که به وسیله خداوند توسط پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها نازل گردیده است. ماهیت دین اسلام به لحاظ اعجاز قرآنی از انحراف و اعوجاج مصون و لیکن در ناحیه روایات از طرف دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث به آسیب‌های فراوانی مبتلا گردیده است. از این‌رو عملیات آسیب‌شناسی به طور جدی و عمیقی نسبت به روایات به خصوص روایاتی که در اختیار عامه قرار دارد، لازم و ضروری است.

اما وجود و تحقق خارجی دین عبارت است از دینی که در جامعه متدینان جریان پیدا می‌کند و نهادهای اجتماعی و روابط میان دین‌داران را پدید می‌آورد. موافقان، مخالفان و مذاهب متنوع را پدید می‌آورد. البته این حقایق و امور خارجی اگر چه به دین منسوب‌اند ولی تنها زائیده ماهیت دین نیستند بلکه ده‌ها عامل فرهنگی، اجتماعی و روانی نیز بر آنها تأثیر می‌گذارد. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۸)

۴. تربیت

واژه تربیت از دو مبدأ اشتقاق یافته است یکی از (ربو) و دیگری از (رب) راغب می‌نویسد: (ربیت) (تربیت کردم) از واژه (ربو) است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی (رب) (رب) بوده است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است مانند ((تظننت)) که ((تظنیت)) شده است.

(رب) به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را (رب) گویند. بنابراین (رب) به معنای مالک و مدبر و تربیت کننده است.

همچنین در ادامه وی می‌نویسد: (رب) در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ذیل واژه ربو)

معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه رشد یا شکوفایی استعدادها و رساندن قوای نهفته یک موجود به فعلیت؛ تربیت به انسان اختصاص ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد به کار می‌رود و اگر در مورد انسان به کار رود کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۲)

تعریفی دیگر از تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (همان)

گفتار اول: آسیب‌شناسی تربیت نوجوانان در نهاد خانواده

نهاد خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی است که پایه و اساس تربیت و آموزش نوجوان در آن شکل می‌گیرد.

۱- بی‌توجهی به ادب‌آموزی

یکی از مسائل بسیار مهم زندگی هر انسانی، این است که نسبت به تربیت فرزندان خود احساس مسئولیت کند و در ادب‌آموزی آنان اهتمام ورزد، در روایات بی‌شماری از اهل بیت (ع) به این مهم اشاره شده است.

از حضرت کاظم (ع) چنین روایت شده: «مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر (ص) خدا! حق این فرزندم بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی تربیتش را نیکو گردانی؛ او را در جایگاه خوبی قرار دهی.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۹۸)

امام علی (ع) در ضمن وصیتی به فرزند امام حسن (ع) در تحصیل ادب می‌فرماید: «پسرم بهره خود را از ادب فراگیر و دل خود را برای تحصیل آن فارغ گردان که به راستی ادب برتر از آن است که آلودگی و چرکی بدان بیامیزد و بدان که ادب سرمایه‌ای است که اگر درمانده و نیازمند شدی به وسیله آن بی‌نیاز خواهی شد...» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰)

امام صادق (ع) نیز فرموده اند: لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد «فرزندم اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره خواهی برد. فرزندم! هر که جوایب ادب و معرفت باشد در راه آن اهتمام می‌ورزد و هر که در این راه بکوشد برای ادب‌آموزی خود را به رنج و سختی اندازد و هر کس چنین کند، در جستجوی ادب و معرفت شوق و همت والا پیدا می‌کند و چون بدین گونه باشد سود آن را دریابد؛ پس ای فرزند! ادب‌آموزی را سیره خود قرار ده و بر حذر باش از سستی و تنبلی در این راه و از اینکه ادب را بگذاری و در پی چیز دیگری برآیی.» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۳، ص ۴۱۹)

آگاهی‌های دینی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوان نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می‌کند، زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهی‌های مستند و مستدل دینی باشد زندگی جهت دینی و الهی پیدا می‌کند.

روزی پیامبر اکرم (ص) با دیدن بعضی از کودکان فرمود: وای به حال کودکان آخر زمان از دست پدرانشان! عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه بلکه از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندان بخواهند خود در صدد آموزش مسائل دینی باشند آنان را از این امر باز می‌دارند و تنها به این دلخوشند که فرزندانشان بهره‌ناپذیری از دنیا به دست آورند من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۴)

از وقتی که کودک زبان به تکلم باز می‌کند دوره آموزش او شروع می‌شود و تا سنین رشد مرحله‌ای را طی می‌کند و سیر آموزشی کودک در روایات معصومین (ع) مرحله بندی شده است. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید:

«و حق بزرگتر از لحاظ سنی این است که او را به خاطر سنش احترام کرده و بخاطر سبقت او بر تو در اسلام او را بزرگ شماری و در مقام خصومت و جدل مقابله با او را رها کنی و در هیچ مسیری بر او سبقت نجویی و با او لجاجت نورزی و اگر او اقدام لجاجت با تو کرد، او را تحمل کرده و بخاطر حق سبقت در اسلام و احترام آن، او را عزیز و گرامی داری.» (سپهری، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶)

۲- بی توجهی به دانش آموزی

از دیگر حقوقی که فرزند بر پدر دارد، بهره مند شدن از نعمت دانش است؛ که امروزه به صورت تحصیل در مدارس و خواندن و نوشتن انجام می‌گیرد، در روایتی که در این زمینه وارد شده از خواندن و نوشتن به‌عنوان حق و تکلیف یاد شده است.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌فرماید: «فرزند به گردن پدر سه حق دارد یکی این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، دوم نوشتن یادش دهد و سوم پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۵۸۲)

امام صادق (ع) در این ارتباط از زبان لقمان می‌فرماید: «فرزندم! در روزها و شب‌ها و ساعات سهمی قرار ده که در آن علم و دانش بجویی زیرا هیچ از دست داده ای همانند از دست رفتن علم و دانش نیست.» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۳، ص ۴۱۵)

نقل شده است که عبد الرحمن سلمی به فرزند حضرت امام حسین (ع) سوره حمد را آموخت وقتی فرزند در حضور پدر سوره حمد را خواند حضرت حسین (ع)، پول نقد و پارچه ای به معلم داد، برخی از این همه عطا تعجب کردند، در آن باره از حضرت سؤال نمودند، امام حسین (ع) فرمود، این پاداش مالی من در برابر آموزش این معلم چیزی نیست، یعنی خدمت معلم برای آموزش سوره حمد از عطای مالی من ارزنده تر است. (فلسفی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۸۸)

۳- تنبیه بدنی

برخی از آسیب‌های تربیتی که از سوی نهاد خانواده بر کودک وارد می‌شود بر اثر تنبیه نادرست و نابجای کودک به وجود می‌آید و حتی در زندگی آینده وی تأثیر گزار خواهد بود، جهان امروز از نظر علمی و تربیتی، زدن اطفال و آسیب رساندن به بدن آنان را به منظور ادب یا مجازات نادرست تلقی نموده و تقریباً در همه کشورهای مدرن از این کار جلوگیری شده است. پدران و مادران را در محیط خانواده و آموزگاران را در مدرسه از زدن فرزندان بر حذر داشته و ایذاء بدنی اطفال را جداً منع کرده اند.

تنها در عصر ما به اهمیت این موضوع توجه نشده بلکه این موضوع در اسلام سوابق زیادی دارد و علاوه بر روایتی که درباره منع زدن اطفال رسیده است در قرنهای گذشته فقهاء در رساله‌ها که برنامه‌ی روزانه‌ی مسلمین است، در این موضوع صریحاً فتوی داده اند (همان، ج ۱، ص ۴۸۳)

تنبیه مجاز نیز در اسلام شرایط خاصی دارد که با در نظر گرفتن آنها می‌بینیم این یک اصل حکیمانه است نه شیوه‌خسونت آمیزی برای جبران ناتوانیهای والدین در تربیت نوجوانان؛ امام موسی بن جعفر (ع) به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و از دست او شکایت می‌کرد فرمود: «او را کتک نزن، بلکه با او قهر کن اما خیلی طول نکشد.» (مروجی طبسی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴)

۴- عدم رعایت عدالت بین نوجوانان

یکی از وظائف سنگین و دقیق در راه تربیت نوجوانان حفظ عدالت بین آنها است، پدران و مادرانی که فرزندان متعدد دارند لازم است در طرز رفتار همه آنها را با نظر عدل و انصاف و مساوات نگاه کنند و عملاً همه را فرزند خود به حساب آورند تا بعضی از آنها در خود احساس حقارت و کوچکی نکنند.

«پدری با دو فرزند خود شرفیات محضر پیغمبر شد یکی از فرزندان را بوسید و دیگری را نبوسید پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد به او فرمود چرا با فرزندان خود بطور متساوی رفتار نمی کنی؟» (متقی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۰)

نیز پیغمبر اکرم فرمود: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همانطوریکه مایلید فرزندان شما و مردم بین شما به عدل و دادگری رفتار نمایند.» (همان، ص ۲۲۰)

عدالت بین پسر و دختر

از موارد دیگر آسیب‌های تربیتی در نهاد خانواده عدم رعایت عدالت بین پسر و دختر است و تبعیض قائل شدن میان آنان می‌باشد در این مورد روایت شده که روزی پیامبر (ص) با یاران خود گفتگو می‌کرد که یک پسر بچه ای آمد و به نزد پدر خود- که در گوشه ای از مجلس نشسته بود- رفت پدرش دستی به سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید اندکی بدین حال بود که دختر خردسال آن مرد آمد و به طرف پدرش رفت، به نزدیک رسید مرد دستی به سرش کشید و در کنار خود بر زمین نشانید. پیامبر خدا (ص) (که تبعیض و بی عدالتی او را مشاهده کرد) به او فرمود: چرا او را بر زانوی چپ خود نشانیدی!

آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برده بود، به دستور پیامبر (ص) عمل کرد و دخترش را بر زانوی دیگر نشانید. رسول خدا فرمود: الان عدالت را رعایت کردی. (ابن ابی الدنیا، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۷۳)

۵- وفا نکردن به عهد

وفای به عهد و پیمان یکی دیگر از اصول اخلاقی است که مسلمان باید در معاشرت اجتماعی رعایت کند. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به این صفت بارز اخلاقی فوق العاده اهمیت داده شده است. از نظر قرآن کریم در حدّ و جوب تأکید شده است. در قرآن کریم خداوند امر فرموده است: «**أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا**». (سوره اسراء/ ۲۴) به عهد خود وفا کنید، زیرا عهد مورد سوال قرار خواهد گرفت.

امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید:

سه چیز است که هیچ کس در آنها عذرش پذیرفته نیست:

۱- بازگردانیدن امانت به صاحبش چه درستکار باشد یا بدکار.

۲- وفای به عهد و پیمان چه در برابر نیکوکار باشد و چه بدکار.

۳- نیکی به پدر و مادر چه آنها نیکوکار باشند چه بدکار. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۳۲)

در سوره مؤمنون وفای به عهد یکی از صفات مؤمنین معرفی شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (سوره مؤمنون / ۸) مؤمنین کسانی هستند که امانت ها و پیمان هایشان را رعایت می کنند.

دستور دیگری که اسلام پدران و مادران را موظف ساخته و بر آن تأکید فراوان کرده، عملی کردن وعده هایی است که آنان به فرزندان خود می دهند زیرا با عمل نکردن به وعده ها شخصیت فرزندان خویش را تحقیر کرده و به آنان درس دروغگویی می دهند. پیامبر (ص) فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و به آنان اظهار محبت کنید. پس اگر به آنان وعده ای دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان روزی خود را به دست شما می ببینند.» (متقی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۹)

امام علی (ع) از پیامبر نقل می کند که: «هر یک از شما به فرزند خود وعده ای می دهد بدان وفا کند.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰)

۶- عدم بردباری در برابر لغزشهای کودک

تربیت و آموزش کودکان باید توأم با مهر و محبت و گذشت باشد، با عیب پوشی و نرمی با آنها برخورد شود و به آنان کمک و یاری گردد. در برخورد با کودکان باید به ویژگیهای آنها توجه داشت اگرچه موجب مشکلاتی شود، باید صبر و حوصله به خرج داد. رسول اکرم (ص) فرمودند: «چه خوب است فرزند در خرد سالی، پر تحرک باشد تا در بزرگسالی دارای شخصیتی آرام خویشان دار گردد. سپس فرمودند: سزاوار است که کودک خردسال حتماً این چنین (پر جنب و جوش) باشد.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۲)

خداوند خطاب به رسول اکرم (ص) می فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره فصلت / ۳۴) بدی را به بهترین روش پاسخ ده و با رفتار شایسته آن را دفع کن. مربی نباید در برخورد با کودکان خشن و سختگیر باشند، چون با خشونت و سخت دلی نمی توان آنان را اصلاح کرد.

حتی خداوند خطاب به پیامبر بزرگوارش پیرامون برخورد با مردم می فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران / ۱۵۹) اگر دشت خوی و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

۷- بی‌توجهی به عنصر زمان

توجه به عنصر زمان از شرایط ضروری تربیت است. آنچه اکنون در جوامع اسلامی مشاهده می‌کنیم، ناهنجاری‌های عمیق ارزشی و دینی در بین نوجوانان و جوانان است؛ به واسطه پیشرفتهای دوره حاضر، این نسل در گرایش به ارزش‌های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود قابل ملاحظه‌ای با نسل قبل از خود، یعنی پدران و مادران متفاوت گردیده‌اند. این امر ناشی از مسائل گوناگون، از جمله «عنصر زمان» است.

متأسفانه این دستورالعمل مهم که عنصر زمان را از شرایط لازم تربیت دینی می‌داند، کمتر مورد توجه مربیان تربیتی، معلمان دینی و حتی والدین بوده است. گاهی والدین می‌خواهند شیوه‌ها و روش‌هایی را که به نسل و مقتضیات زمان دیگر تعلق دارد، به اجبار به فرزندان خویش تحمیل نمایند، در حالی که فرزندان، به دلیل تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی، به دنبال خواسته‌ها و مطالبات دیگری هستند.

کینگسلی دیویس به این نکته مهم اشاره کرده که: والدین در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان سعی دارند محتویات کهن فرهنگی را به آنان بیاموزند و فراموش می‌کنند که از دوران کودکی خودشان تاکنون، زندگی به طور فزاینده‌ای، دگرگون شده است. والدین، در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان با شیوه‌ها و نهادهای مشخص جامعه، ظاهراً فراموش می‌کنند آنچه برای خودشان نهادینه شده است، برای نوجوانان و جوانان بسیار انتقادبرانگیز یا بیزارکننده است (سرمد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰)

برای گشودن چنین گره‌ای، مربیان تربیتی و والدین، باید با تلفیق ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات اصیل با روش‌های نوین، نسل جدید را با آموزه‌های دینی گذشته بهتر آشنا کنند. آینده‌نگری و توجه به عنصر زمان، به اولیا و مربیان امروزی کمک می‌کند تا کاروان عظیم و عزیز تعلیم و تربیت را با اطمینان بیشتری هدایت نمایند. شهید مطهری (ره) می‌گوید: «حقیقت این است که عصر ما از نظر دینی و مذهبی مخصوصاً برای طبقه نوجوان و جوان، عصر اضطراب، دودلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان با یک سلسله تردیدها به وجود آمده و سوالات کهنه و فراموش شده را نیز، از نو مطرح ساخته است» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۳)

بنابراین نوجوانان خواهان فهم دقیق و به روز از معارف دینی و عمل به آموزه‌های مذهبی در جامعه هستند. آنان باید برای زندگی در جامعه فردا تربیت شوند؛ و باید پذیرفت که «آینده»، امروز و دیروز نیست؛ و ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ از این رو باید دانش‌آموزان را به روز تربیت کنیم. استمرار برنامه‌های گذشته به هیچ وجه، دردهای امروز و فردا را درمان نمی‌کند؛ و

انعطاف ناپذیری در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها و پافشاری ناآگاهانه بر برداشت ها و برنامه های گذشته و عدم فهم متناسب با شرایط زمان، می تواند آسیب جدی به تربیت دینی نوجوانان وارد کرده، زمینه را برای دین گریزی و عدم تربیت صحیح آنان فراهم کند.

۸- بی توجهی خانواده ها به آموزه های دینی

فرزندان نوجوان بیش از هر کسی دیگر، با والدین خویش تماس دارند و مفاهیم مذهبی را از آنان یاد می گیرند. از این رو تربیت دینی از وظایف اولیه پدر و مادر در نهاد خانواده محسوب می شود. بسیاری از خانواده ها، به دلیل عادت ها و باورهای به ارث رسیده از نسل های گذشته، راهکارهای غیر صحیح مورد استفاده خود را در تربیت دینی فرزندان درست می شمارند و بر کاربرد آنها پافشاری و چه بسا، آنها را مطابق با آموزه های دینی و برخاسته از قرآن و سنت قلمداد می کنند؛ حال آنکه دین نفی کننده این راهکارهاست و ترک آن را توصیه می کند. همچنین، رفتار نامعقول برخی از خانواده ها از قبیل عدم تشویق فرزندان به انجام اعمال دینی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن، عدم مشارکت والدین در مراسم مذهبی، بدگویی از مبلغان دین و معلمان دینی و قرآن، موجب خنثی شدن تلاش های مربیان و معلمان در زمینه تربیت دینی دانش آموزان می شود، مثلاً در مدرسه با پند و اندرز، هر اندازه بر نماز خواندن یا راست گویی تاکید شود؛ و از آثار مثبت آن سخن بگویند، چنانچه محیط خانواده آلوده بوده، تعهدی نسبت به این ارزش ها نداشته باشد، زمینه فراگیری آموزه های دینی را در نوجوانان تخریب خواهد کرد.

مطالعات نشان می دهد تا زمانی که اعضای خانواده ها به اعتقادات مذهبی خود پایبند باشند، فرزندانشان کمتر از دین و آموزه های دینی گریزان هستند. در پژوهشی که توسط مرکز تحقیقات اجتماعی کشور مصر صورت گرفته ۷۲٪ نوجوانان بزهکار، جزو خانواده هایی بوده اند که به مسائل دینی اهمیت نمی دادند. (طالبان، ۱۳۸۱، ص ۳۸)

در حالی که قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحیارة» (سوره تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و اهل خانه خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها هستند، حفظ کنید.

و پیامبر اسلام (ص) فرموده اند: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان؛ گفته شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنان شکایت دارید؟ فرمودند: نه! از پدران مومن که چیزی از واجبات دینی را به فرزندان آموزش نمی دهند؛ و اگر خود فرزندان، به دنبال فراگیری معارف دینی باشند،

آنان را از این کار منع می‌کنند؛ و نسبت به فرزندان به متاع اندک و کم ارزش دنیا راضی می‌شوند، من و چنین پدرانی از همدیگر بیزار هستیم» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۲۵).

براساس آموزه های قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) نتیجه می‌گیریم که اولین و موثرترین مرحله و جایگاه تربیت دینی، نهاد خانواده است و لازم است که آسیب‌های ذکر شده در این نهاد پالایش شوند.

گفتار دوم: آسیب‌شناسی تربیت در نهاد مدرسه

۱. عدم تربیت دینی صحیح خود مربی

امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند. با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.» (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۷۳)

اگر مربی در بخش اعتقادات و اخلاقیات تربیت صحیح نیافته باشد از دو جنبه به متریان خود در تربیت آسیب می‌رساند.

۱) اولین آسیب از حیث تأثیر گذاری اخلاقی و انتقال بینش و تفکر غلط اعتقادی به متریان است. زیرا کودکان و نوجوانان شدیداً تحت تأثیر مربی و معلم هستند و از آنها الگوگیری می‌کنند؛ و اگر این اعتقاد و بینش غلط یا رفتار ناصحیح در وجود مربی رسوخ کند اصلاح آن به سختی ممکن است.

زیرا آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می‌یابد تنها معلومات و مهارت های معلّم نیست بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شود. رابطه دانش آموز با معلّم یک رابطه باطنی و معنوی است دانش آموز و یا دانشجو معلّم را شخصیتی محترم و ممتاز می‌داند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن و به عضویت رسمی جامعه در آمدن کمک و مساعدت می‌نماید معلّم با روح و جان دانش آموز و یا دانشجو سروکار دارد و به همین جهت بعنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش آموز اگر چه قبلاً در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدودی شخصیت او شکل گرفته است ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر می‌باشد.

۲) دوم دین‌گریزی مربی و عدم اعتماد او به دین‌داران که به علت رفتار و منش نا شایست مربی دربر خورد صورت می‌گیرد.

۲. عدم آگاهی دقیق و صحیح مربی از آموزه های دینی

خداوند در قرآن کریم به مومنان سفارش می‌کند: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (سوره توبه/۱۲۲) شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی میدان جهاد کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند) تا در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگامی که یاران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمانهای الهی را به آنها تعلیم دهند و از مخالفت آن اندازشان نمایند باشد (که این برنامه موجب شود) که آنها از مخالفت فرمان خدا بپرهیزند و وظایف خویش را انجام دهند.

در این آیه سفارش به تفقه در دین شده یعنی ژرفنگری و آگاهی یافتن از دین و سپس تعلیم و آموزش آن به دیگر مومنان که مستقیماً وظیفه مربی دینی را در قبال معارف دین مشخص می‌کند تا متریبان با معارف حقیقی و صحیح آشنا شوند و از خطر گمراهی در امان باشند.

۳. انحراف در محتوای معارف دینی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در آسیب‌رسانی به تربیت نوجوانان در نهاد آموزشی مدرسه، برداشت‌های ناصحیح، غیر منطقی و سست و ارائه نادرست آن به نوجوانان است. برداشت‌ها و تفسیرهای غلط، گاه از جانب افرادی است که بدون داشتن تخصص و اهلیت لازم در درک صحیح دین، در جامعه به ارائه دیدگاه‌ها و تفاسیر دینی اقدام می‌کنند و به عمد و یا سهو در فهم و درک معارف حقه دین، ایجاد اختلال می‌کنند در پاره‌ای مواقع، اینچنین تلقی ناصحیح از دین رنگ و صبغه سیاسی داشته و با انگشت اشاره مستقیم و غیرمستقیم معاندین صورت می‌پذیرد و عموماً مخاطبین این ارائه غلط سیاسی و هدفدار از معارف دینی، قشر حساس و غیرمطلع نوجوان و جوان جامعه است. از سوی دیگر گاهی برداشت و ارائه ناصحیح معارف دینی از جانب اصحاب دین و کانونهای دینی است که بدلیل بعضی اندیشه‌ها و تفکرات خشک و غیرمعقول از دین در چنبره احتیاطهای غیرضروری و سنتهای غلط گرفتارند و با عدم درک مقتضیات زمان و جمود فکری، برداشت‌های غیرواقعی از دین عرضه می‌کنند که حقیقت دین با آن بیگانه و ناسازگار است و نتیجه آن چیزی جز جدایی افراد خصوصاً نوجوانان از دین نخواهد بود.

۴. عدم بیان صحیح معارف دینی

اگر در امر تربیت دینی، معرفت و بینش سطحی عرضه شود، فرد با چنین ضعف معرفتی، انگیزه عمیق و درونی متقنی برای انجام احکام و آداب دینی نخواهد داشت و به ریا و تظاهر کشانده

خواهد شد لذا اکتفا نمودن صرف به تامین صورت ظاهر در مناسک دینی؛ تربیت دینی محسوب نمی‌گردد. ایمان بیشتر با قلب، درون و احساس مرتبط است واضح است که در تربیت دینی، می‌بایست آداب و معارف دینی، بر روح و قلب متربی چنگ زده و از درون فرد را به تحول بکشاند. پس در تربیت دینی باید بستر برای جذب عاطفی، قلبی و درونی فرد نسبت به دین مهیا شود و در این راستا و ناظر به همین تحول درونی است که فرد با اختیار و آگاهی لازم، به رفتارهای آشکار بیرونی و عمل صالح مبادرت می‌ورزد: تکرار لفظ ایمان و عمل صالح در آیات الهی ناظر به آن است که هر کدام بدون دیگری ناقص و ناتمام است. تربیت دینی در شکل صحیح و سالم آن، باید در پی آن باشد که ایمان و عمل در پیوند با یکدیگر از فرد صادر شود و با ایجاد معرفت مناسب نسبت به آموزه‌های دینی، زمینه تبلور انتخاب و اراده آزاد را در فرد فراهم نماید چرا که در غیر این صورت بکار بردن لفظ ایمان برای انجام آداب ظاهری و بدون معرفت، صحیح نیست و خداوند متعال در قرآن کریم این حقیقت را به مدعیان متذکر می‌گردد: و حقیقت ایمان قلبی را از لفظ اسلام جدا می‌داند «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (سوره حجرات ۱۴/۱) اعراب گفتند که ما ایمان آوردیم ای رسول خدا به آنان بگو که شما ایمان نیاوردید بلکه بگوئید اسلام آوردیم و هرگز ایمان در قلوب شما وارد نگردیده است.

۵. هم خوانی نداشتن سطح شناختی با سطح ارائه معارف

نوجوانان از نظر ذهنی، حداکثر کارایی هوشی را دارند؛ بنابراین گرایش به فلسفه زندگی، آنان را به سوی مسائل اخلاقی و مذهبی سوق می‌دهد و سعی می‌کنند در این دوره، هویت مذهبی خود را شکل دهند. اما اگر سطح رشد شناختی آنان با سطح معارف دینی ای که ارائه می‌شود، همخوانی نداشته باشد، دچار نوعی سردرگمی و در نهایت، بی‌رغبتی نسبت به دین می‌شوند. نوجوان به علت توانمندی‌های ذهنی، باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی از خانواده و دیگران به او القا شده است، کنار می‌نهد و می‌خواهد معارفی را بپذیرد که متناسب با سطح تفکر او باشد، اما از یک سو بسیاری از اوقات، آنچه به منزله دین به او عرضه می‌شود، برای وی قانع کننده نیست و از سوی دیگر در برخی موارد نوجوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی اعم از احکام و عقاید را با مقیاس عقل بسنجد و فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد، صحیح هستند و در غیر این صورت، درست نیستند و باید کنار گذاشته شوند. همه این عوامل، دست به دست هم می‌دهند و موجب می‌شوند هویت دینی نوجوان به

خوبی شکل نگیرد و نوجوان نسبت به آموزه های دینی دچار بحران شده، نجات خود را از این بحران در گریز از دین بداند.

حضرت علی (ع) با اشاره به این حقیقت، گرایش به کفر را ناشی از ضعف معرفتی انسان دانسته، می فرماید: «اگر افراد هنگام برخورد با مسائلی که نمی دانند درنگ نمی کردند و عجولانه تصمیم نمی گرفتند، گمراه نمی شدند» (ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۲). بنابراین یکی از علل دین گریزی و آسیب تربیتی در نوجوانان، هم خوانی نداشتن سطح شناختی با سطح ارائه معارف است.

۶. عدم استفاده از روشهای فعال و پویا

با آنکه آموزش در قرن بیست و یکم، در فرایند و تربیت تاکید زیادی بر روش های فعال و مشارکتی دارد، متأسفانه، هنوز بسیاری از دبیران و معلمان به جای استفاده از روش های فعال و پویا از روش های منفعلانه و ایستا استفاده می کنند.

در حالی که در روش فعال، نبض و مهار موقعیت ها به دست دانش آموزان است؛ و در روش منفعلانه دانش آموزان مقلدند. آن که منفعلانه عمل می کند همیشه منتظر است ببیند که دیگران چه می کنند. انفعال کسالت و خستگی می آورد و روش فعال سرزندگی و پویایی.

مفهوم به کارگیری روش های فعال و پویا این نیست که بازگویی داشته ها و دانسته ها نارواست؛ سخن بر سر آن است که نوآوری در بیان همان مطالب و طراوت بخشیدن به همان آگاهی ها، به مدد کسب آگاهی های تازه تر و بازسازی، تصحیح و تکمیل آنها، فضایی خواهد ساخت که هنگام عرضه کردن آنها، کسالت و بی حالی دامن گیر دانش آموزان نشود. امروزه بهره گیری از تکنولوژی آموزشی و وسایل نو، برای عرضه بهتر و موثرتر، به این پویایی کمک خواهد کرد. روش های نوین در آموزش، تبلیغ و ارتباط، از بایسته ترین مسائل روزگار ماست که همه مربیان باید بدان توجه کنند تا دانش آموزان از آموزه های دینی و ارزش های مذهبی فاصله نگیرند. (سنگری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲-۱۳۳)

روش های تربیتی در مدارس هنوز القای یک سویه است. بسیاری از معلمان، هنوز دانش آموزان را گوش می پندارند و خویشتن را زبان؛ از این رو به دانش آموزان هیچ گونه فرصتی نمی دهند که در ساختن خویش، اصلی ترین نقش را ایفا کنند. حال آنکه روش های نشئت گرفته از مکتب تربیتی دین مبین اسلام، بستر هدایت و شکوفایی است تا مربی خود بفهمد که چه باید بکند و آنگاه راه را به کمک پاهای خویش طی کند.

خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (سوره شمس / ۹ - ۱۰) هرکس نفس خود را از گناه پاک سازد به یقین رستگار خواهد شد و هرکس آن را به گناه پلید گرداند، زیانکار خواهد شد.

در این آیات، کوشش و جوشش فرد، اساس رشد و کمال یا سقوط و گمراهی معرفی شده است. اصولاً تربیت حقیقی آن است که تمام زمینه‌ها فراهم شود تا فرد خود را شکوفا ساخته، توانمندی‌های خویش را نشان دهد؛ از این رو، از منظر نهج البلاغه علم اکتسابی بدون در نظر گرفتن علم فطری نمی‌تواند بستر شکوفایی استعدادهای فرد را مهیا سازد.

حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «علم دو نوع است: علم فطری و علم اکتسابی. علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۷۰۸).

۷. معلمان ناکار آمد

از دیگر آسیب‌های تربیتی وجود مربیان و معلمان ناکارآمد است در مکتب حیات بخش اسلام، نقش معلم در رفتار و تکوین شخصیت دانش‌آموزان، بسیار با اهمیت معرفی شده است از این رو اولین ویژگی‌ای که در دین برای معلم و مربی آمده است، آغاز تربیت از خود معلم و مربی است. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «خداوند مرا ادب آموخت» (پاینده، ۱۳۷۱، نهج الفصاحه، ص ۲۱).

دومین ویژگی و شرایطی که دین برای معلم و مربی قایل شده، الگو بودن معلم برای دانش‌آموزان است. زیرا به میزان قابل توجهی، شخص تربیت‌پذیر محتاج یک الگوی زنده و موفق است تا بتواند در عمل با مشاهده و مقایسه، نقاط ضعف خویش را دریابد.

سومین ویژگی مهمی که دین برای معلم و مربی تجویز نموده است که معلمان باید از کرامت و احترام شایسته برخوردار باشند تا امکان تربیت دینی دانش‌آموزان فراهم شود؛ به طوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «به کسی که دانش را به او یاد می‌دهید، احترام بگذارید و نیز به کسی که دانش را از او فرا می‌گیرد، احترام بگذارید» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۴۱)

از این رو، اخلاق شایسته معلمان، اثر بسیار مطلوبی در ایجاد انگیزه و رغبت دانش‌آموزان به مسائل دینی دارد. طرح این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که معلم با روح و روان دانش‌آموزان سروکار دارد. اعتقادات هر کسی عامل اصلی اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی اوست و معلم شخصیتی است که این اعتقادات را در ذهن دانش‌آموز شکل می‌دهد.

آگاهی از مسائل تربیتی، اساس انتخاب یک فرد برای حرفه معلمی است. معلم که به منزله نماینده دین در کلاس حاضر می‌شود، با ذره بین دقیق دانش آموزان، مورد آزمایش قرار می‌گیرد؛ و به طور غیر مستقیم رفتار او به دین نسبت داده می‌شود. متأسفانه نظام آموزشی در جوامع اسلامی در بسیاری از موارد، کسانی را در سمت معلم، به کار گماشته که به علت ناپختگی و رفتار نامناسب و نیز، عدم بینش و شناخت کافی از دین، موجبات یأس، افسردگی و نفرت دانش آموزان را نسبت به مسائل دینی فراهم آورده است. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲-۳۲۳)

۸. عدم توجه به تفاوت های فردی

انتظار یکسان از افراد متفاوت و به کارگیری روش‌های یکسان برای همه نوجوانان، یکی دیگر از آسیب‌های تربیت نوجوانان در نهاد آموزشی مدرسه است. یکی از بزرگ ترین خطاها در حیطه تربیت، هم رنگ سازی است. یکسان دیدن جامعه ی دانش آموزان و نوجوانان یا یک دست کردن آنان، تفکری است که حتی اگر میسر هم باشد، مقبول نیست. عدم توجه به وسع دانش آموزان، چه در فهم تکلیف و چه در عمل به تکلیف، ضروری است که باعث دل زدگی و انزجار آنان می‌شود. و روحیه حقیقت جویی را در نهاد نوجوانان خاموش می‌کند. تربیت واقعی آن است که مربی روحیه نقادی را در ذهن متربی زنده کرده، سبب شود تا فراگیر به هرچیزی یقین نکند. کاربرد روش‌های سنتی، متربی را وادار می‌کند، قوانین سخت و تحمیلی را بی چون و چرا بپذیرد. در حالی که تعلیم و تربیت نمی‌تواند با آموزش یک سلسله نصایح اخلاقی قالبی و بی بنیاد به متربی، به سرمنزل مقصود برسد. اخلاق اسلامی و تربیت صحیح دینی مستلزم انتخاب و اختیار است. اخلاق و تربیت، به تنهایی و به طور انتزاعی به کار یادگیری و آموزش نمی‌آید و موضوعی است که از شوق همکاری «من‌های» آزاد سر بر می‌آورد. از این رو آموزش و پرورش باید امکانات کاملی برای زندگی آینده دانش آموزان و کسب تجربه های اجتماعی آنان فراهم آورد. (سیدین، ۱۳۷۹، ص ۵۵-۵۶)

نتیجه

تربیت در شخصیت‌سازی و دین‌مداری فرزندان نقشی بنیادی دارد و گاهی تربیت صحیح دگرگونی در فرزند ایجاد می‌کند تربیت مورد تاکید احادیث معصومین (ع)، تربیتی است بر اساس مفاهیم و معیارهای دین مبین اسلام که اگر انسان در سایه سار آن، راه رشد و تربیت صحیح را بییماید، به بالاترین درجه فضایل و کمالات انسانی خواهد رسید؛ اما گاهی این مقوله، به لحاظ عدم رویکرد صحیح و عدم توجه عمیق به آن، دچار آسیب گردیده و آسیب‌شناسی آن، با کشف و تحلیل انحرافات فکری و رفتاری متولیان تربیت، ضروری به نظر می‌رسد. از جمله آسیب‌های تربیت نوجوانان در نهاد خانواده عبارت‌اند از بی‌توجهی به ادب و دانش‌آموزی، تنبیه، عدم رعایت عدالت بین فرزندان، عدم بردباری و بی‌توجهی به عنصر زمان و آموزه‌های دینی در خانواده؛ آسیب‌های آموزش در نهاد مدرسه عبارت بودند از عدم تربیت دینی صحیح مربی، انحراف در محتوای معارف، استفاده نکردن از روش‌های فعال و پویا، معلمان ناکارآمد و عدم توجه به تفاوت‌های فردی.



فهرست منابع

- قرآن مجید
۱. آ. اس. هورنای، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، موسسه نشر جهان دانش، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.
 ۲. ابن ابی الدنيا، ابوبکر، کتاب العیال، دمام، دار ابن قیم، ۲۰۰۸ م.
 ۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
 ۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
 ۵. ابن منظور، جمال الدین ابو الفضل، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
 ۶. اسفندیاری، محمد، آسیب‌شناسی دینی (پژوهش‌هایی درباره اسلام شناسی و جامعه شناسی)، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴ ش.
 ۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، نشر جاویدان، چ ۲۳، ۱۳۷۱ ش.
 ۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه اهل بیت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
 ۹. حسینی زاده، سید علی، علیرضا اعرافی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱۳، ۱۳۹۴ ش.
 ۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر (تحلیل دین شناسی شریعتی، بازرگان و فروش)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۱. دژاکام، علی، فکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.
 ۱۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چ دوم، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۳. _____، مسئولیت تربیت، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۵. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چ دوم، ۱۳۷۶ ش.





۱۶. رسولی محلاتی، سید هاشم، وصایا الرسول و الائمه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. ساروخانی، باقر، دائره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چ ۳، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. سپهری، محمد، شرح و ترجمه رساله‌الحقوق امام سجاد (ع)، قم، دار العلم، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. سرمد، غلام علی، ترجمه درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، تهران، نشر دانشگاهی، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. سنگری، محمدرضا «آسیب‌شناسی روش‌ها در قلمرو تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. سیدین، غلام، مبانی تربیت فرد و جامعه از دیدگاه اقبال، تهران، فردوس، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. صالحی، هاشم، نهج الفصاحه، ترجمه، ابراهیم، احمدیان، شهاب الدین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی الحسین بن بابویه القمی، کتاب الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۳ هـ ق - ۱۳۶۲ ش.
۲۵. طالبان، محمد رضا، دین‌داری و بزهکاری، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تهران، فراهانی، ۱۳۸۱ ش.
۲۷. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۵۲ ش.
۲۸. _____، کودک از نظر وراثت و تربیت، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۴۲ ش.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. قرآن مجید، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، قم، دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تلیق: غفاری علی اکبر، تهران دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۸۸ ق.

۳۲. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۳۴. محمدی، مژگان، «رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. مروجی طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۳۷. _____، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. موریس، ایور، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلام علی سرمد، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۰۸ ق.

